

اسلام

و دنیای معاصر

فصلنامه اسلام و دنیای معاصر

سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، زمستان ۱۴۰۲

فهرست چکیده‌های فارسی

- ۱ بررسی و نقد استعاره «زیارت» در اشعار عرفانی حافظ، محمود شبستری و صائب تبریزی
رسول رهبری غزالی
- ۲ الهیات عملی و آسیب‌شناسی دینی: مطالعه موردی شهید مطهری
جهانگیر مسعودی
- ۳ موجه بودن باور متداول به خداوند بر اساس معرفت‌شناسی مبتنی بر شنیده‌های اطمینان‌یافته
حمیدرضا آیت‌اللهی
- ۴ نقش حاکمیت در اندیشه اسلامی سید قطب و مقایسه آن با دیدگاه هابز در سنت مسیحی
نرهدت خورشید
- ۵ الهیات عملی و غلبه انسان‌شناسی عملی در عصر مدرن
حسین هوشنگی
- ۶ نگاهی دوباره به تأثرناپذیری الهی از دریچه تصور علامه طباطبائی از «انسان کامل»
محمد مهدی فلاح

بررسی و نقد استعاره «زیارت» در اشعار عرفانی حافظ، محمود شبستری و صائب تبریزی

رسول رهبری غازانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

این مقاله به کاربرد استعاری مفهوم «زیارت» در شعر عرفانی فارسی، به ویژه در آثار حافظ شیرازی، محمود شبستری و صائب تبریزی، می‌پردازد. این شاعران از معانی سنتی مذهبی این واژه فراتر رفته و به آن وجهی عمیقاً معنوی بخشیده‌اند. حافظ با به‌کارگیری استعاری مفهوم زیارت در ارتباط با «میخانه»، «میکده»، «شراب»، آن را نمادی از عشق و معرفت الهی می‌داند، و از این طریق سلوکی روحانی را فراتر از صورت‌های ظاهری دینی به تصویر می‌کشد. آثار شبستری و صائب تبریزی قلب را به‌عنوان مقصد زیارت معرفی می‌کنند، که مقدس بودن و الهی بودن ذاتی انسان‌ها را بازتاب می‌دهد. در این تفسیر، مفهوم زیارت از سفری جسمانی به جستجویی متافیزیکی برای خودشناسی و مهرورزی گسترش می‌یابد. علاوه بر این، در این مقاله نقش دوگانه زبان استعاری در آثار حافظ شیرازی بازشناخته می‌شود: راهبردی محافظتی و در عین حال نقدی بر عملکرد دینی سطحی. استفاده از استعاره، نه به منزله رد دین، بلکه همچون چالشی در برابر تفاسیر دینی سطحی عمل می‌کند. قابل توجه است که تفسیر استعاری زیارت فراتر از حدود ادبیات می‌رود و با زبان عامیانه ایرانی تلفیق می‌شود و معنای جدیدی در قالب «دیدار افراد» به خود می‌گیرد. طبیعت الهی انسان‌ها این تغییر زبانی را پذیراست. بنابراین دیدار کسی به مثابه سفری روحانی به قلب او تفسیر می‌شود. با این حال، نقدهایی به این تفاسیر وارد است. در حالی که به لحاظ ادبی جذاب هستند، با توجه به محدودیت‌های فرهنگی، دینی یا شخصی، ممکن است چنین تفاسیری از سلوک روحانی مورد پذیرش همگان نباشد. این مقاله به قدرت تحول‌آفرین زبان در شعر عرفانی فارسی می‌پردازد و با وجود محدودیت‌ها و انتقادات، بر استفاده استعاری از زیارت تأکید می‌کند. این نشان می‌دهد که شعر توانایی جابجایی مرزها، تحریک اندیشه و دعوت به کاوش‌های معنوی عمیق را دارد.

کلیدواژه‌ها

شعر عرفانی فارسی، زیارت، مستی روحانی، قلب، عشق، معرفت الهی

۱. دانشجوی دکتری، گروه فلسفه دین، دانشکده الهیات، دانشگاه استانبول، استانبول، ترکیه.

(r.rahbarighazani@ogr.iu.edu.tr)

الهیات عملی و آسیب‌شناسی دینی: مطالعه موردی شهید مطهری

جهانگیر مسعودی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

چکیده

الهیات علمی یکی از چندین نوع دسته‌بندی جدید الهیات در دنیای غرب و جهان مسیحیت است که به کاربرد و کارکرد آموزه‌های الهیاتی در زندگی بشر می‌پردازد. این شاخه از الهیات اگرچه در جهان اسلام سابقه‌ای ندارد، می‌توان اهتمام به آن از جهات کاربردی و کارکردی الهیات را در جهت‌گیری‌ها و اندیشه‌های روشنفکران و نواندیشان دینی مسلمان جستجو کرد. این پیوند به طور خاص در حوزه آسیب‌شناسی دینی بیش از همه رخ می‌نماید، جایی که نواندیشان دینی مسلمان در پی یافتن علل انحطاط تمدن اسلامی و راه‌حل آن، به بازبینی آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی پرداخته‌اند. در میان نواندیشان اسلامی معاصر، استاد شهید مرتضی مطهری به ویژه در نیمه دوم عمر خود، دلمشغولی زیادی نسبت به این حوزه داشته و در بیشتر آثار خود کوشیده است تصویر و فهمی درست از آموزه‌های اسلامی (که به اعتقاد او تاکنون بد فهمیده شده‌اند) ارائه دهد. نگارنده پس از تبیین پیوند میان الهیات عملی و نواندیشی دینی و همچنین تلاش‌های نواندیشان دینی در راستای آسیب‌شناسی باورها و اعتقادات دینی، به عنوان نمونه موردی توجه خود را به شهید مطهری و آثار ایشان معطوف می‌کند و در پایان نیز نمونه‌هایی را از آثار ایشان در همین راستا بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، آسیب‌شناسی دینی، نواندیشی دینی، شهید مطهری، شناخت‌درمانی

۱. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(masoudi-g@um.ac.ir)

موجه بودن باور متداول به خداوند بر اساس معرفت‌شناسی مبتنی بر شنیده‌های اطمینان‌یافته

حمیدرضا آیت‌اللهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

چکیده

چالش‌های معرفت‌شناسانه بسیاری حول توجیه باور به خداوند در سه قرن گذشته وجود داشته است، به گونه‌ای که برخی همچون پلنتینگا صرف تضمین را به جای توجیه استدلالی در این زمینه مطرح کردند و باور به وجود خداوند را باوری پایه نشان دادند. اما میلیون‌ها انسان، بدون توجه به این چالش‌ها، باور به وجود خداوند را بدون آن که ایمان‌گرا باشند برای خودشان موجه می‌دانند. این توجیه از کجا ناشی می‌شود؟ آیا توجیه آنها از لحاظ معرفت‌شناختی قابل تبیین است؟ در این مقاله در نظر است ضمن تبیین جریان‌های جدید معرفت‌شناسی اجتماعی و «گواهی»، اهمیت معرفت‌شناسی مبتنی بر شنیده‌های اطمینان‌یافته نشان داده شود، سپس استدلال شود که شنیده‌های اطمینان‌یافته ما درباره وجود خداوند و صفات او، که به پیامبران منتهی می‌شود و آن نیز به اقرار خداوند و تبیین او از خودش مبتنی است، می‌تواند بهترین توجیه برای باورهای ما باشد. در نهایت به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه گواهی خداوند بر وجود و صفاتش که از طریق پیامبران به ما رسیده است می‌تواند یکی از بهترین توجیه‌های معرفتی برای باور به وجود و صفات خداوند باشد. در نهایت، نشان داده می‌شود که این نوع معرفت‌شناسی دینی چه مزایایی نسبت به قرینه‌گرایی یا صورت‌های گوناگون برهان‌آوری بر وجود خداوند و صفات او می‌تواند داشته باشد.

کلیدواژه‌ها

معرفت‌شناسی اجتماعی، گواهی، باور مبتنی بر شنیده‌های اطمینان‌یافته، توجیه باور به خداوند

۱. استاد بازنشسته گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (ayatollahy@atu.ac.ir)

نقش حاکمیت در اندیشه اسلامی سید قطب و مقایسه آن با دیدگاه هابز در سنت مسیحی

نزهت خورشید^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

چکیده

این مقاله با مبانی الهیاتی لویاتان توماس هابز به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا چارچوب سیاسی-مذهبی ارائه شده توسط وی قابلیت آن را دارد که در مفهوم‌سازی دولت اسلامی مورد استفاده قرار بگیرد یا خیر. در مسیر این مطالعه مقایسه‌ای، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های «دولت مسیحی» هابز و «حکومت اسلامی» سید قطب، به ویژه از طریق تحلیل نوع استفاده آنها از مفهوم حاکمیت، پرداخته شده است. سید قطب، نظریه‌پرداز و نویسنده اسلام‌گرای قرن بیستمی، دیدگاهی نوین درباره نقش اجتماعی و سیاسی اسلام ارائه کرده است. از سوی دیگر، توماس هابز نیز که در دوره جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم می‌زیست متأثر از ایده دولت مسیحی بود که از نظر او می‌توانست موجب اتحاد همه مسیحیان و جلوگیری از خشونت بیشتر شود. هابز و سید قطب هر دو تلاش کرده‌اند چارچوبی جامع از یک حاکمیت سیاسی مسیحی یا اسلامی ارائه دهند و به همین جهت امکان گفتگو میان آنها برقرار است.

کلیدواژه‌ها

توماس هابز، سید قطب، حاکمیت، نظریه سیاسی، حکومت دینی

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه یورک، تورنتو، کانادا. (nuzhatkh@hotmail.com)

الهیات عملی و غلبه انسان‌شناسی عملی در عصر مدرن

حسین هوشنگی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

چکیده

انسان مخاطب دین است، و لذا تغییرات در انسان سبب تغییر در دین‌داری و، به تبع آن، تغییر در دین‌ورزی می‌شود، و حداقل این پرسش را ایجاد می‌کند که کدام یک از ساحات دین (اخلاق، عقاید، مناسک و اعمال و غیره) باید اولویت و صدارت یابد. عصر جدید و روشنگری شاهد تحول انسان و انسان‌شناسی است، که در آنها انسان به مثابه موجودی جبرانگر و اجتماعی با نگاهی طبیعت‌گرایانه در کانون توجه قرار می‌گیرد. در دوره روشنگری و متعاقب انقلاب کپرنیکی کانت، انسان به مثابه سوژه و فاعل شناسایی متولد و معرفی شد که متعلقات ادراک را خود برمی‌سازد. در این مقطع، انسان به مثابه عامل و نه عاقل مد نظر قرار گرفت. در انسان به مثابه عامل، بیش از التفات به بُعد فکری، به ساحت امیال و خواسته‌ها و اراده او نظر می‌شود. در چنین نگاهی به انسان، مقولاتی همچون آزادی، تعهد، مسئولیت و عواطفی مانند نوع‌دوستی، شفقت و حیا، که بروز آنها در حیات عملی است، در انسان و انسان‌شناسی اولویت و صدارت می‌یابد، و علوم معطوف به عمل انسانی (مانند اخلاق، سیاست، فلسفه تاریخ، فلسفه دین و انسان‌شناسی) تکنون یا بسط می‌یابد. فارغ از این که تغییر انسان در مسیر مدرن شدن را خطا یا صواب بدانیم، الهیات مسیحی، با تکوین الهیات عملی، این تحول و تلاطم در مفهوم و حقیقت انسان را به رسمیت شناخته است. الهیات و کلام اسلامی نیز بالطبع نمی‌تواند این امر را نادیده بگیرد. انسان جدید انسان در مقام عاملیت و فاعلیت است و از دین و الهیات هم انتظار راهنمایی عینی و عملی را در مسیر زندگی دارد. دین‌شناسان و اهل کلام باید از همه استطاعت و توان و ظرفیت علوم دینی اعم از کلام، فلسفه، اخلاق، فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم حدیث، همراه با استفاده از علوم متعارف مرتبط، در مسیر تحقق الهیات عملی اسلامی به مثابه یک علم دینی میان‌رشته‌ای بهره بگیرند.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، الهیات عملی اسلامی، انسان‌شناسی عملی، انسان‌شناسی نظری

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

(h.hooshangi@isu.ac.ir)

نگاهی دوباره به تأثرناپذیری الهی از دریچه تصور علامه طباطبائی از «انسان کامل»

محمد مهدی فلاح^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

چکیده

در فلسفه دین تحلیلی تأثرناپذیری خدا جزو اوصاف ذاتی خدا لحاظ می‌شود. با این حال در قرآن خداوند به حالاتی مثل رضایت و خشم متصف شده است. متکلمان شیعی با استناد به روایاتی تلاش کردند از دو طریق به این تناقض‌نما پاسخ دهند: (۱) تفکیک میان صفت ذات و صفت فعل، که دومی با جهان مخلوق مرتبط است؛ (۲) تفسیر این حالات همچون پیامد اعمال انسانی، به نحوی که خشم بازنمایی صورتی از عقاب است و رضایت نشان‌دهنده پاداش. هرچند به نظر می‌رسد علامه طباطبائی مدافع این پاسخ‌هاست، ولی تناقضات موجود در آن را دریافته و با استناد به دسته‌ای دیگر از روایات بر نقش «انسان کامل» در اتصاف خداوند به این حالات توجه می‌کند. علامه طباطبائی در تلاش برای کشف منشأ صفات الهی بیان می‌کند که خدا خشمگین می‌شود وقتی انسان کامل ناراضی است و خشنود است وقتی انسان کامل راضی است. به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از تصور میانجی‌گری در فلسفه، بر اساس این رویکرد هم خدا تأثرناپذیر است و از ممکنات متأثر نمی‌شود، و هم اتصاف او به حالات مجال طرح دارد. این مقاله تلاش می‌کند این راه‌حل را در چارچوب عرفان نظری شیعه صورت‌بندی و ارزیابی و اعتبار آن را تعیین کند.

کلیدواژه‌ها

تأثرناپذیری الهی، انسان کامل، سید محمدحسین طباطبائی

۱. پژوهشگر پسادکتری، کالج پژوهشگران، دانشگاه توبینگن، توبینگن، آلمان.
(mohammadmahdi.fallah@cof.uni-tuebingen.de)